



در قالب امضای ۱۹ سند همکاری دو کشور در کاراکاس صورت گرفت

امضای تفاهمنامه جامع ۵ ساله همکاری فرهنگی ایران و ونزوئلا

فرهنگی / وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تفاهمنامه جامع پنج ساله همکاری های فرهنگی هنری دو جانبه میان ایران و ونزوئلا را روز گذشته طی مراسمی در کاراکاس پایتخت این کشور به امضا رساند. آن طور که در گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده: محمدمهدی اسماعیلی طی مراسمی با حضور رؤسای جمهور دو کشور در کاراکاس تفاهمنامه جامع فرهنگی ایران و ونزوئلا در قالب

۱۹ سند همکاری میان ایران و ونزوئلا را به امضا رساند. در این تفاهمنامه جامع فرهنگی تحکیم و استمرار روابط فرهنگی با تقویت اقتصاد فرهنگ و هنر مورد توجه قرار گرفته است. تولید فیلم های مشترک و برگزاری هفته های فرهنگی، از جمله دیگر بند های این تفاهمنامه فرهنگی هنری است. در مراسم انعقاد اسناد همکاری ایران و ونزوئلا ۱۸ سند همکاری دیگر نیز در حوزه های مختلف به امضا رسید. این

گفت و گو

فاطمه ترکشوند

روزنامه نگار

سفر رئیس جمهور به ونزوئلا در ادامه تبادلات فرهنگی ایران با کشورهای امریکای لاتین در حوزه فرهنگ و هنر، سفری مهم و اثرگذار است که می تواند عمق نفوذ ایران را گسترش داده و ارتباط میان ملت ایران با ملت های امریکای لاتین را تقویت کند. درباره کم و کیف و ابعاد توسعه این روابط با سهیل اسعد، فعال فرهنگی آرزانتینی گفت و گو کردیم.

با توجه به شناخت شما از فضای فرهنگی کشورهای امریکای لاتین، ایران در چه زمینه هایی می تواند کارهای فرهنگی مشترکی با امریکای لاتین

تعریف کند؟

این سؤال وابسته است به تعریفی که ما از فرهنگ، فعالیت فرهنگی و محتوا و قالب و سازمان فرهنگی ارائه می دهیم. آن طور که من متوجه شدم اختلافاتی میان درک این موضوعات و مفاهیم در امریکای لاتین با سازمان های ایرانی که در منطقه فعالیت می کنند، وجود دارد. تعریفی که در دنیا از فرهنگ می شود این است، منظومه کاملی که در زندگی هر ملت، فرهنگ دارد و با عناوینی مثل آداب و رسوم، علوم، ارتباطات، رسانه، هنر، تاریخ و تمدن گاهی معادل یا هم خانواده گذاشته می شود. یعنی فرهنگ، یک تعریف آرد که در آن بسیاری از مسائل لحاظ می شود.

اما چیزی که سازمان ها و مهندسی و مجریان فرهنگی ما (ایران) از فرهنگ می فهمند، خیلی خلاصه تر و محدودتر است. مثلاً اگر وارد مراکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شوید، فقط مسائل مذهبی را به عنوان فعالیت فرهنگی مطرح می کنند و در مسائل مذهبی هم بیشتر بعد عبادی را مورد توجه دارند و در این بعد عبادی هم عمدتاً سراغ فضای مراسم و مناسک می روند.

به نظر من پیش از آنکه از مشترکات حرف بنیزیم باید مفهوم فرهنگ را شفاف کنیم. در اسلام، فرهنگ، همه چیز است. وقتی می گوئیم «فرهنگ اسلامی» در آن وقت وجود دارد که هم عبادات در آن هست و هم معاملات؛ پس خرید و فروش هم در اسلام، یک موضوع فرهنگی است. پس چیزی که از «فرهنگ اسلامی» مراد می شود، مربوط است به همه چیز دنیا و همه چیز زندگی انسان! چه چیزی می خورید، چه چیزی می پوشید، چه جور خانه می سازید، مثلا چرا تاکنون ایران در مساله ورزشی وارد نشده تا با دایر کردن مراکز ورزشی، حوزه فرهنگ را دنبال کند و از ورزشکاران به عنوان سفیران فرهنگی استفاده کند؟ این یک نمونه است. روی این چیزها عملاً کار نشده و غیر از طلبه های حوزه علمیه، من ندیدم در منطقه امریکای لاتین فعالیت دیگری انجام شود.

اولین گام برای فهم مشترکات این است که تعریف فرهنگ را منحصر به چند مراسم مذهبی نکنیم تا از همه ظرفیت ها در راستای اسلام استفاده شود. اگر با این نگاه وسیع تر فرهنگ را ببینیم آن وقت خواهیم گفت که مشترکات ایران با امریکای لاتین زیاد است و در این صورت ساخت کار خیلی بزرگ خواهد شد. اگر من مسئول فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران بودم، در فضای هنر، خصوصا سینما وارد می شدم. در مساله غذا مشترکات زیاد است مثلاً برنج غذای حاکم در بیشتر کشورهای امریکای لاتین است.

همچنین در حوزه موسیقی و سرود و همچنین شاخه موسیقی انقلابی و معمولاً بخش خصوصی فعال تر، با انگیزه تر و ذی نفوذ تر است. چون بخش خصوصی در امریکای لاتین هم

به نظر شما بخش خصوصی در هر دو طرف ایران و کشورهای امریکای لاتین چقدر امکانات ورود به عرصه تبادلات فرهنگی را دارد و تاکنون چقدر وارد شده است؟

معمولاً بخش خصوصی فعال تر، با انگیزه تر و ذی نفوذ تر است. چون بخش خصوصی در امریکای لاتین هم



بررسی زمینه ها و ابعاد توسعه روابط فرهنگی در گفت و گو با سهیل اسعد

چهار فرصت ویژه در منظومه فرهنگی ایران و امریکای لاتین



امکانات خوبی دارد و هم از جهت مدیریت راحت تر و قوی تر است. متأسفانه بخش دولتی در هر دو طرف با مشکل جدی بوروکراسی روبه روست؛ یعنی هم ایران و هم امریکای لاتین. اما چون کار فرهنگی نیاز دارد به یک حرکت مستمر با یک ریتم سریع و یک فکر فعالی که هر روز باید کار کند، این بوروکراسی علیه ماست. بنابراین بخش خصوصی بیشتر جا دارد فعال شود. متأسفانه تا امروز خیلی کار نشده است. نکته مهم این است که دولت ها اجازه دهند و کمک و پشتیبانی کنند که بخش خصوصی وارد شود. یعنی اجرا و قرو برنامه ریزی و مدیریت در بخش خصوصی انجام شود و دولت به آنها امکانات دهد. وقتی می بیند یک مجموعه یا فعالانی موفق هستند، دولت به آنها کمک کند تا بشود یک حرکت مردمی در بخش خصوصی اما با پشتیبانی دولتی. این بهترین نسخه برای تعامل و ترکیب بخش خصوصی و دولتی در عرصه

اما با امکانات دولتی که در واقع متعلق به خود آن مردم است و باید در راستای منافع خودش آن را به کار گیرد. ما هم البته تجربیات و فعالیت هایی شبیه این نسخه و نزدیک به آن داشته ایم که اتفاق موفق بوده و جواب داده است. چیزهایی می تواند باشد؟ به نظر من کار باید به صورت تدریجی شکل بگیرد. باید امتحان کنیم. در فضای فرهنگی هیچ نسخه مشخصی نیست که بگوییم موفقیت با آن قطعی است. به این خاطر که کشور به کشور و ملت به ملت و زمان به زمان فرق می کند. پس باید امتحان کنیم. مثلاً در حوزه نشر کتاب تجربه کردیم و جز مواردی مثل چند کتاب اخیر رهبری که ترجمه شد، چندان موفق نبودیم. در مقابل در حوزه سینما بسیار موفق بودیم و فیلم هایی مثل مریم مقدس، اصحاب کهف و یوسف پیامبر بسیار موفق بودند. طبق تجربه خود من، تا آن در بعضی جاها بسیار جواب داده است. در برخی موارد، موسیقی البته موسیقی بومی ایران و فیلم های ایرانی است. یعنی در حوزه فرهنگ بازتاب دهند و متجلی کنند. یعنی فرهنگ را صدای منظومه است و استقبال ملت خوب می خواهند. این موضوع استقبال در امریکای لاتین خواهان دارد.

تفاوت های فرهنگی میان ایران و امریکای لاتین، تا چه اندازه توانسته است بستری برای مراد و اندیشمندان دو طرف و ایجاد دیالوگ میان آنها باشد؟ به نظر شما از چه طریق می توان ظرفیت ایجاد ادبیات و دیالوگ میان اندیشمندان و اهالی فرهنگ و هنر و دانشگاهیان دو طرف را افزایش داد؟

این تفاوت ها بنسبت در زیباتر کردن فضای فرهنگ و هنر اثرگذار است. با این تفاوت های می توانید استفاده صحیحی در مسائل فرهنگی و هنری هم داشته باشید، اما این مساله نیازمند درک تفاوت هاست. وقتی این درک اتفاق افتاد، تازه بستری برای شناساندن خودت به دیگران ایجاد می شود چون به طور طبیعی زمانی که تفاوتی را در فرهنگ مشاهده می کنید، نسبت به شناخت آن کنجکاو می شوید. بنابراین اساس ارتباط هم مبتنی بر تفاوت است. یعنی ما چیزهای متفاوتی داریم که می خواهیم مرتبط باشیم و این تفاوت ها را با هم مبادله کنیم. بین مسائل فرهنگی و هنری هم زیبایی مهم است و تنوع و تفاوت دقیقاً عامل مقوم همین زیبایی است، چرا که چیزی که من دارم با چیزی که شما دارید، مکمل هم و به صورت ترکیبی زیبا در کنار هم قرار می گیرند. به علاوه وجود تفاوت، حس کنجکاوی را هم تحریک می کند و خود تبدیل به عامل محرک آشنایی و ارتباط می شود. اساساً ارتباط بین المللی فرهنگی را هم باید در همین بافت نگاه کرد. «بین المللی» یعنی ارتباط میان ملت ها که تفاوت در آن لحاظ شده است.

ملت های امریکای لاتین هم تاریخچه مبارزاتی گسترده ای دارند که تمایل آنها را نشان می دهد چه با استعمار کهن، چه با استعمار جدید، چه با استعمار داخلی، چه با شرکت های چندملیتی، چه با تبعیض نژادی و دیگر موارد از این دست. بنابراین یکی از محورهای اراده و تمایل امریکای لاتین همین است که این فضای استغفار را در حوزه فرهنگ بازتاب دهند و متجلی کنند. یعنی فرهنگ را صدای منظومه است و استقبال ملت خوب می خواهند. این موضوع استقبال در امریکای لاتین خواهان دارد.

یادداشت

درباره آقیانوس کم عمق روابط فرهنگی با امریکای لاتین

تکلیف را روشن کنیم!

سفر ریاست محترم جمهوری به امریکای لاتین بهانه خوبی است تا به سازمان روابط فرهنگی بین ایران و این منطقه بیشتر بپردازیم. حتماً از اهمیت راهبردی امریکای لاتین برای بسط گفتمان ایران فرهنگی بارها خواننده و شنیده اید. این یادداشت نیز مجالی برای اثبات یا به چالش کشیدن این موضوع نیست چرا که در سپهر روابط بین الملل، مخصوصاً از جنس فرهنگی، نمی توان گوشه ای از جهان را نادیده گرفت و برای برقراری دادوستد فرهنگ و اندیشه با آن برنامه ای نداشت.

امریکای لاتین -که اساساً نامی فرهنگی برای کشورهای لاتین زبان امریکای مرکزی و جنوبی است- منطقه ای زنج کشیده از استعمار طولانی مدت اروپاییان است و میراث این استعمار، یکی نابرابری نهادینه طبقاتی و اقتصادی و دیگر، استعمارستیزی -و نه استکبارستیزی- برای مردم این خطه بوده است؛ دو میراثی که اگر گفتمان ایران اسلامی بدان نگاه درستی داشته باشد، از بهترین نقاط هم فکری و برقراری خط ارتباط فرهنگی است. با این حال ما گام ناظر مطنتی برای ساماندن این خط نداشته ایم و آنچه در نگاه ناظر آگاه می آید، رفتارهایی سلخته و اقداماتی پراکنده بوده است. با وجود بهره مندی از بدنه کارشناسی قابل قبول در نظام دانشگاهی کشور، بافت نظام دیپلماسی در حوزه های دیپلماسی فرهنگی و عمومی امریکای لاتین بسیار ضعیف و کم بنیه بوده است؛

اسه که حکمرانی فرهنگی ما بدان دچار است؛ نگاه هایی شعارزده و بی ربط با واقعیت های امریکای لاتین که همواره موجب مکیده شدن شیر بهر همان رویکرد حداقلی مان نیز شده است؛ کلیشه هایی مانند اینکه «دولت های چپ گرا همه استکبارستیز و حامی گفتمان ایران اند» معملاً با سبلی های سخت و اقعیت -مانند آنچه در رأی برخی از این دولت ها برای اخراج ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد به وقوع پیوست- مواجه می شوند.

اصلی ترین ضعف ما می تواند عدم تصمیم گیری و تعیین تکلیف در این رابطه باشد؛ چه اینکه هم موازی کاری نهادهای مربوطه بسیار اخلاق آفرین است و هم جدیت مستمری در برقراری ارتباط فرهنگی دیده نمی شود.

رقبایی قدر در توسعه گفتمانی

نگاهی به رویکردهای فرهنگی رقبای سیاسی-گفتمانی می تواند موقعیت مان را بهتر نشان بدهد؛ ایالات متحده در کنار حجم بالای روابط اقتصادی -که منافع پایداری در منطقه برایش ایجاد کرده و ربح خا شدنی می نماید- از فرهنگ سازی و دیپلماسی عمومی نیز دریغ نکرده است. این کشور گذشته از حجم بالای تولیدات سینمایی، تلویزیونی، کتاب، مجله و... با تأسیس سازمان دولتی USAID به حل مسائل عموم مردم لاتین، کمک های خیریه، سرمایه گذاری های خرد، ایجاد اشتغال و... پرداخته و نه تنها از طریق ارتباط مردمی به صادرات گفتمانی دست زده، بلکه چهره خود را در اذهان عمومی به کلی سفید کرده است.

رژیم صهیونیستی نیز در این منطقه با کمک های مردمی و حتی اعزام گروه های جوانان اسرائیلی در مواقع بحران به کشورهای امریکای لاتین، خود را حاکمیتی صلح خواه و دغدغه مند جلوه داده است. ترکیه به عنوان نزدیک ترین رقیب گفتمانی ما، با بهره گیری از ظرفیت عظیم فیلم و سریال و دیگر محصولات فرهنگی، شبکه های ماهواره ای متعددی برای بخش تولیدات خود ایجاد کرده و از راه فرهنگ و هنر، منافع اقتصادی و سیاسی پایداری را برای خود تضمین کرده است؛ به نحوی که همین حالا هم گفتمان خود را به این منطقه راهبردی صادر کرده و هم قرارداد هایی به مراتب بزرگتر از ایران با کشورهایمانند ونزوئلا و کوبا دارد.

آیا تاکنون هیچ نکرده ایم؟

نگاه سنتی به مقوله فرهنگ، بسیاری از اقدامات فرهنگی ما را بی حاصل کرده است. عرضه سستیم فرهنگ و دین بدون در نظر گرفتن مسائل مخاطب و اقتضات فرهنگی منطقه، باعث محصورشدگی فعالیت ها در سفارخانه ها و مراکز اسلامی مرتبط شده است. با این حال در چند سال اخیر اقدامات راهگشایی نیز در این زمینه انجام شده که اگرچه کم رسق و ننگ بوده، اما روزنه امید به تغییر نگرش های سنتی دستگاه های تصمیم گیر باز کرده است. حمایت از چاپ کتب کودک و نوجوان سازگار با فرهنگ و اندیشه لاتینی به زبان های اسپانیایی، فرانسوی و پرتغالی و نیز برپایی نمایشگاه های بین المللی فرهنگ و دوستی ایران و کشورهای این منطقه (FICA)، از گام های بجا و امیدوارکننده در این مسیر بوده است.

نمایشگاه بین المللی فرهنگ و دوستی ایران و ونزوئلا که در مدت ده روز در کاراکاس، پایتخت ونزوئلا برگزار شد، نمونه ای از شکستن کلیشه های سنتی ارتباط فرهنگی و عمومی با امریکای لاتین بود. این نمایشگاه که با رونمایی از نسخه اسپانیایی کتاب «خون دلی که لعل شد» همراه بود، با معرفی فرهنگ و هنر ایرانی در کنار حل مسائل مردم و ارائه برخی خدمات جذاب، هزاران نفر از مردم ونزوئلا و کشورهای دیگر امریکای لاتین را به گفتمان ایرانی-اسلامی مجذوب ساخت.

افق های راهگشا

انقلاب اسلامی اصالتاً دارای ماهیتی فرهنگی است و تفاوت خود را با نسخه های شرقی و غربی در بهره مندی از فرهنگ غنی اسلام می داند؛ بنابراین راه ایجاد منافع پایدار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز باید از ممیزات این مکتب عبور کند. توجه جدی به تسهیل ارتباطات هنری و فرهنگی، مهم ترین وظیفه حاکمیت برای بالفعل سازی ظرفیت های ارتباطی بین ملت هاست. هنرهای نمایشی و تجسمی، موسیقی، خط، کتاب و ادبیات، صنایع دستی، معماری و ده ها نمونه از این دست، بهترین دروازه برای نمایش فرهنگ و هنر غنی ایرانی است. بازار فرهنگ امریکای لاتین، پذیرای ایده های نوین و محصولات تازه است. گام نخست برای برقراری این روابط چیست؟ تصمیم جدی و راهبردی کشور، هماهنگ سازی نهادهای مربوط و تخصیص منابع پایدار برای نمردهی این حرکت. تا وقتی ندانیم چه می کنیم، اقداماتی پراکنده خواهیم کرد که آقیانوسی وسیع در زمینه های مختلف، اما به عمق یک بند انگشت ایجاد می کند.



حسن اقاچانی
کارتشاس
فرهنگی
بین الملل